

## بررسی روش‌های ایجاد انگیزهٔ دینی از منظر سیره تربیتی اهل بیت (علیهم السلام)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۱/۱۷

تاریخ تأیید مقاله: ۹۴/۳/۲۳

زهرا نیکونژاد\*

ولی‌الله حسومی\*\*

### چکیده

انگیزه، عاملی است که شخص را به انجام عملی معین، بدون اجبار و با میل و ارادهٔ خویش متمایل می‌سازد. رفتار انسان در همهٔ قالب‌ها از منظر روانی، تحت تأثیر نظام انگیزشی است. روان‌شناسان معمولاً واژهٔ «انگیزش» را به عنوان فرایندی که موجب برانگیختگی، هدایت و احیای رفتار می‌شود، تعریف می‌کنند. بنابر این، ایجاد انگیزهٔ دینی نقش مهمی در گرایش افراد و کشش آنها به سوی دین دارد. پژوهش حاضر در پی یافتن روش‌های ایجاد انگیزهٔ دینی در سیرهٔ تربیتی اهل بیت بوده، که به روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد قرآنی-روایی به بررسی آن می‌پردازد. اهل بیت(ع) نقش مهمی در ایجاد انگیزهٔ دینی در میان مردم داشته، برای رسیدن به این مهم در سیرهٔ تربیتی خود، دو راهکار ترسیم کرده‌اند: الف) روش‌های ایجادمانند ترغیب(تشویق)، تبشیر، ارائهٔ الگو و ... ب) روش‌های اصلاحی مانند انذار، تنبیه، تقافل و ... که لازمهٔ رسیدن به هدف، همراهی این دو راهکار با یکدیگر است. روش‌های ایجادمانند، در راستای شکل‌دهی و روش‌های اصلاحی در پی اصلاح و بازسازی و حاصل توأمان بودن این دو با یکدیگر، ایجاد انگیزهٔ دینی و رشد و شکوفایی آن خواهد بود.

**واژگان کلیدی:** انگیزهٔ دینی، اهل بیت(ع)، تربیت.



## الف) مقدمه

«انگیزه» عاملی است که افراد را به انجام و تداوم رفتار خاصی متمایل و علت و چرایی فعالیت‌ها را مشخص می‌کند. آنچه در اصل، محرک آدمی به سوی رفتارهای خاص است، همان نیازی است که او را بی‌قرار می‌سازد و فرد را برای ارضای آن به تکاپو و تلاش برمی‌انگیزاند. بنابر این، انگیزش یکی از پایه‌های اصلی رفتار است که بدون آن، عملکرد افراد شکل نمی‌گیرد. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «النیة اساس العمل» (آمدی، ۱۳۳۷: ح ۱۰۴۰)؛ نیت (انگیزه) اساس عمل است. از طرفی نیز انگیزه نقش مهمی در رشد و تعالی انسان دارد؛ زیرا هنگامی که انسان به چیزی علاقه‌مند می‌شود، در جهت رسیدن به آن تلاش و کوشش می‌کند. البته لازمه ایجاد انگیزه و علاقه‌مندی، شناخت و آگاهی از موضوع است. انسان در مسیر حرکت دین، نیازمند محرک‌هایی است که اراده و توانش را تقویت کند. لذا در مسیر خداشناسی که در حقیقت مسیر کمال و سعادت انسان است، با شناخت عوامل انگیزشی و تقویت آنها روند حرکت و تلاش انسان برای کسب معارف و رسیدن به ارزش‌های متعالی بیشتر می‌شود. از این رو، باید دید روش تربیتی اهل بیت (ع) در ایجاد انگیزه دینی چگونه بوده است؟

از آنجا که ائمه (ع) منادیان حق و حقیقتند و هدف عمده آنها ایجاد روحیه حقیقت‌طلبی در میان انسان‌هاست، لذا با روش‌های مختلفی به این مهم پرداخته‌اند که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ب) پیشینه تحقیق

تا جایی که نگارنده بررسی کرده، در رابطه با «روش‌های ایجاد انگیزه دینی از منظر سیره تربیتی اهل بیت (ع)» پژوهش مستقلی یافت نشد؛ اما آثاری با رویکردهای دیگر به رشته تحریر درآمده است.

کتاب «انگیزش در آموزش و پرورش» (ساموئل بال، ۱۳۷۳) به تعریف، تقویت و یادگیری انگیزه پرداخته، در خلال مباحث، نقش انگیزه را در مسائلی چون: اضطراب، پیشرفت، نگرش‌ها، علایق و ... شرح داده است. کتاب «تربیت معنایی انسان» (مظلومی، ۱۳۸۴) روش‌های تربیت دینی از منظر اهل بیت را بررسی کرده است. کتاب «سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت: تربیت اخلاقی» (داودی، ۱۳۸۷) به اهداف، مبانی و روش‌های تربیت

اخلاقی در سیره اهل بیت (ع) پرداخته است. کتاب «پرورش انگیزه در دانش‌آموزان» (مک کومیز و جیمز پاپ، ۱۳۸۸) ضمن بررسی ماهیت انگیزش، شناخت انگیزه و نحوه افزایش آن در دانش‌آموزان، چگونگی خلق فضایی که برای دانش‌آموز ایجاد انگیزه کند را نیز تشریح کرده است. در کتاب «انگیزش و هیجان» (رابرت ای. فرانکن، ۱۳۸۸) طی ۱۴ فصل، انگیزش، مؤلفه‌های انگیزش، نظریه‌های انگیزشی، انواع انگیزش و عوامل مؤثر در ایجاد آن معرفی شده است. در کتاب «انگیزش و هیجان» (خداپناهی، ۱۳۸۹) نیز به انگیزش و هیجان و عوامل مؤثر در آن و انواع نظریه‌ها در این زمینه مانند نظریه کاهش کشاننده‌ای، نظریه انتظار-ارزش و نظریه‌های شناختی پرداخته شده است. کتاب «اخلاق اسلامی در قرآن» (فهم‌نیا، ۱۳۸۹) ضمن تعریف مفاهیم کلی اخلاق، به مبانی و مفاهیم اخلاق اسلامی در قرآن مانند تقوا، توکل، صبر، شکر و ... اشاره می‌کند. مقاله «مبانی انگیزش از دیدگاه اسلام» (بخشی، ۱۳۸۰) نظریات مختلف پیرامون «انگیزش» را بیان می‌کند و از آنجا که انگیزه در پی نیاز به وجود می‌آید، لذا این مقاله به دسته‌بندی نیازهای مختلف انسانی نیز پرداخته است. اما نوشته پیش رو به بررسی روش تربیتی ائمه (ع) در ایجاد انگیزه دینی پرداخته است، که رویکردی جدید در مباحث تربیتی محسوب می‌شود.

## ج) مفهوم شناسی

### ۱. انگیزه<sup>۱</sup>

انگیزه از نظر لغوی اسم مصدر و به معنی ترغیب، انگیزیدن و انگیزختن است. ولی از دیدگاه صاحب‌نظران عبارت است از: «حالت‌های درونی ارگانیک که موجب هدایت رفتار او به سوی هدفی خاص می‌شود». انگیزه از دیدگاه اسلام به مجموعه‌ای از حقایق و مفاهیم روحی و روانی و فعل و انفعالات درونی و فرایند ایجاد و نقش و تأثیر آنها می‌پردازد. (خرم‌شاهی، ۱۳۷۷: ۴۱۲)

آمادگی یا گرایش درونی بالقوه برای پاسخ دادن به موقعیت یا محرک خاص بیرونی، از بین موقعیت‌ها و محرک‌های مختلف موجود را می‌توان انگیزه نامید. (شاملو، ۱۳۸۳: ۱۰۳)

### ۲. انگیزش<sup>۲</sup> از دیدگاه روان‌شناسی

اصطلاح «انگیزش» نخستین بار از واژه لاتینی *Movere* به معنای حرکت، گرفته

1. Motive.

2. Motivation.



شده و به معنای تحریک، تحریض و ترغیب آمده است (معین، ۱۳۷۸). انگیزش، تمایل به انجام کار است در گرو توانایی فرد، تا بدان وسیله نوعی نیاز تأمین شود (رابینز، ۱۳۸۸: ۷۲). پس انگیزش یعنی نیروهایی که موجب می‌شوند افراد به گونه‌ای خاص رفتار کنند. انگیزه‌ها گاهی اوقات به نیازها، خواسته‌ها، کشش‌ها یا تپش‌های درونی یک فرد تعبیر می‌شوند. انگیزه‌ها به سوی هدف‌هایی طی طریق می‌کنند که ممکن است از روی شعور آگاه یا نیمه‌آگاه باشند. به عبارت دیگر؛ انگیزه‌ها چراهای رفتارند. آنها باعث بروز فعالیت و تداوم آن هستند و جهت کلی رفتار را نیز تعیین می‌کنند. (پیروز و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۴۰)

بنابر این، انگیزش فرایندی است در جهت ایجاد انگیزه و بسیج نیروهای نهفته انسانها و جامعه در جهت تحقق اهداف.

### ۳. سیره تربیتی

«سیره» بر وزن فعله از «سیر» مشتق شده است. در کتاب‌های لغت برای سیره چندین معنی ذکر شده است. سیر به معنای رفتن است و اسم مصدر آن سیره (رفتار) است. در زبان عربی وقتی گفته می‌شود: «حسن السیره»؛ «خوش رفتار» مراد است (فیروزآبادی، ۱۴۱۲: ذیل واژه «سیر»). دومین معنایی که برای آن ذکر شده، «سنت و طریقه» است. السیره: السنه (ابن منظور، ۱۴۰۸؛ طریحی، ۱۴۰۸: ذیل واژه «سیر»؛ چنان که طریقه نیز به معنای راه و روش است. در میان این معانی، معنای دوم؛ یعنی «سنت و طریقه، راه و روش» از معانی دیگر رایج‌تر است. واژه «تربیت» در زبان عربی، مصدر و از ریشه «رَبَّ» است. «رَبَّ» در اصل به معنی تربیت و پرورش است؛ یعنی ایجاد کردن حالتی پس از حالتی دیگر در چیزی تا به حد نهایی و تمام و کمال برسد (راغب اصفهانی، ۱۳۵۳: ۲۹). تربیت عبارت است از پرورش و تقویت استعدادهاى مثبت تا رسیدن به سرحد کمال ممکن و ایجاد هماهنگی لازم در بین آنها، همراه با تضعیف استعدادهاى منفی تا رسیدن به سرحد انهدام ممکن از وجود. (اردوبادی، ۱۳۵۸: ۹۴)

بنابر این، سیره تربیتی عبارت است از راه و روش پرورش و تقویت استعدادهاى مثبت تا رسیدن به سرحد کمال. به طور کلی منظور از سیره تربیتی معصومان (ع) عبارت است از هر رفتاری که یکی از معصومان (ع) برای ایجاد انگیزه و اثرگذاری بر شناخت، نگرش، اخلاق و رفتار دیگران، اعم از مسلمانان و غیر مسلمانان، کودک و بزرگسال و فرزندان و خانواده خود یا دیگران، در محیط خانه، مسجد، کوچه و بازار یا هر جای دیگر انجام داده‌اند.

## د) اهمیت و جایگاه انگیزه

انگیزه یکی از پایه‌های اصلی رفتار است که بدون آن عملکرد افراد شکل نمی‌گیرد. ملاک ارزشگذاری رفتار در منابع دینی، نیت و انگیزه معرفی شده است. حضرت علی(ع) در این باره می‌فرماید: «قدر الرَّجُل علی قدر همّته، و عمله علی قدر نیّته» (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۴: ۵۰۰)؛ قدر مرد به اندازه همت اوست و عمل او به اندازه نیت اوست. بنابر این، انگیزه و نیت است که به رفتار ارزش می‌دهد یا آن را از ارزش ساقط می‌کند. انگیزه و نیتی که از تمایلات متعالی در وجود آدمی سرچشمه می‌گیرد، خود دارای ارزش است و رفتار را نیز ارزشمند می‌کند؛ اما اگر انگیزه از تمایلات پست و غیر انسانی ناشی شود، نه تنها خود، ضد ارزش خواهد بود، بلکه رفتار مبتنی بر آن را نیز فاقد ارزش می‌گردانند. امام صادق(ع) در این باره می‌فرماید: همانا بنده مؤمن و فقیر به خداوند عرضه می‌دارد: پروردگارا به من روزی ده تا چنین و چنان از کارهای خیر انجام دهم؛ پس هنگامی که خداوند این درخواست را از روی نیت صادقانه [و انگیزه پاک] دید، برای او از اجر و پاداش به مقداری می‌نویسد که اگر عمل می‌کرد، همان را می‌نوشت. همانا خداوند گشایش‌دهنده کریم است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷: ۱۹۹)

به طور کلی انگیزه، عامل محرک و نیروی هدایت‌کننده انسان است. به عبارت دیگر؛ تا انگیزه درون فرد شکل نگیرد، تلاش و تکاپویی در جهت عمل صورت نمی‌گیرد.

## ه) مراتب و درجات انگیزه‌ها

با تتبع در انگیزه‌های آدمی، به طور کلی سه سطح انگیزشی را در انسان‌ها می‌توان تصور کرد؛ این انگیزه‌ها از پایین‌ترین سطح شروع شده، تا عالی‌ترین سطح انگیزش پیش می‌رود و عبارتند از:

- **انگیزه‌های مادی:** انگیزه‌هایی که صرفاً جنبه مادی دارند؛ مانند انگیزه کسب رفاه مادی، امنیت و...

- **انگیزه‌های تلفیقی:** ترکیبی از انگیزه‌های مادی و معنوی‌اند.

- **انگیزه‌های معنوی و الهی:** انگیزه‌هایی که هدف و غایت آنها رسیدن به مقام قرب الی‌الله است؛ مانند انگیزه نیل به معرفت الله، کسب رضوان الهی، رسیدن به لقای الهی و... . پژوهش حاضر در پی یافتن عوامل مؤثر در «ایجاد انگیزه معنوی و روش‌های ایجاد



آن» است. لذا به توضیح پیرامون آن بسنده می‌کنیم.

### ۱. انگیزه‌های معنوی

انگیزه‌های معنوی، انگیزه‌هایی نشأت گرفته از ایمان به مبدء و معاد است که محور آنها را وجود مقدس پروردگار تشکیل می‌دهد. در این نوع انگیزه‌ها، نیازهای فطری و گرایش‌های اصیل انسانی به معبود و محبوب حقیقی، قوی‌ترین عامل بروز و ظهور رفتارهای شایسته و پسندیده است. شدت و قوت این انگیزه‌ها به حدی است که می‌تواند نیازهای مادی را بی‌اثر کند و تحت‌الشعاع قرار دهد (پیروز و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۵۴). انگیزه‌های معنوی نیز دارای مراتب و درجاتی است که از کلام حضرت امیر(ع) در تفکیک عبادت‌کنندگان استفاده می‌شود: گروهی خدا را از روی تمایل و طمع (به بهشت) می‌پرستند، این عبادت تاجران است و گروهی او را از ترس (جهنم) می‌پرستند، این عبادت بردگان است و گروهی خدا را از سر شکر می‌پرستند و این عبادت آزادگان است. (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۳۷)

### و) عوامل زمینه‌ساز ایجاد انگیزه دینی

انگیزه، نیرویی در درون انسان است که او را به انجام رفتار و عمل خالص متمایل می‌سازد. این برانگیختگی از عوامل زیادی تأثیرپذیری دارد. مهم‌ترین متغیرهای اثرگذار بر انگیزش معنوی در ادامه مطرح می‌شود.

#### ۱. فضا

اولین گام در بحث نهادینه‌سازی موضوعات دینی، ایجاد فضای مناسب برای بیان و ابراز آنهاست. فضا‌سازی به معنای فراهم کردن بستر مناسب و زمینه‌های لازم برای انجام کار فرهنگی است که نتیجه آن تحقق و اجرایی شدن موضوعات فرهنگی و کاهش اختلاف در این زمینه‌هاست. فضا‌سازی چیزی نامأنوس از فرهنگ جامعه اسلامی نیست؛ به طوری که پیامبر(ص) نیز برای تشکیل جامعه نبوی به آن اقدام فرمودند. نخست دعوت مخفیانه سه ساله جهت کسب آمادگی برای پذیرش یکتاپرستی و فاصله گرفتن از بت‌پرستی و بدویت و بعد از آن، فضا‌سازی مجدد برای اعلان عمومی و با دستور «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعراء: ۲۱۴) انجام می‌شود (خاکپور و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۲۱). البته برای انجام فضا‌سازی نباید از این نکته غافل شویم که فضا، پدیده‌ای چند بعدی است و در تأثیرگذاری آن، عوامل مختلفی نقش دارند. برای مثال، در فضا‌سازی دینی توجه



به دو اصل اعتقاد و برابری که برگرفته از شیوه دعوتی انبیای الهی است، می‌تواند سبب اثرگذاری بیشتر فضا شود. (ربانی و وحید، ۱۳۸۱: ۴۱)

پس اولین عامل در ایجاد انگیزه دینی، آماده‌سازی محیط است. مسلماً اگر فضا رنگ و بوی الهی و معنوی به خود بگیرد، انگیزه‌ای مضاعف در جهت میل به سوی دین درون افراد شکل می‌گیرد و آنها را در گام نهادن به سوی ارزش‌های والای الهی ترغیب می‌کند.

## ۲. باورهای دینی

یکی دیگر از مهم‌ترین متغیرهای مؤثر بر انگیزش، وجود یک سلسله باورها و ارزش‌های دینی است. این باورها نه تنها انگیزش افراد را شکل دینی می‌دهند که حتی در قوت و تداوم بخشیدن به آن نیز نقش بالایی را ایفا می‌کنند. معمولاً انگیزه‌های نشئت گرفته از ایمان، از استحکام و دوام بیشتری نسبت به انگیزه‌های مادی برخوردارند (پیروز و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۵۸). به عنوان مثال، فردی که به خداوند و روز جزا اعتقاد دارد، به صفات پسندیده روی آورده و از رذایل دوری می‌کند، خود را در برابر اعمالش مسئول می‌بیند و احساس تکلیف می‌کند. لذا اعتقاد به پرهیز از کسب حرام دارد و این اندیشه او را به سوی وظایفی که خداوند بر عهده‌اش گذاشته سوق می‌دهد. مسلماً آنچه پشتوانه این انگیزه بوده، میل به ثواب و ترس از عقاب و شاید بالاتر از اینها؛ یعنی کسب رضای خداست. بنابر این، هنگامی که باورها و اعتقادات انسان رنگ الهی و خدایی به خود گرفت، انگیزه‌های معنوی درونش ایجاد شده و او را در انجام وظایفش استوار و ثابت قدم می‌گرداند.

## ۳. فرهنگ

از فرهنگ تعاریف مختلفی صورت گرفته است. فرهنگ اشاره به باورها، اعتقادات، نظام ارزشی، هنجارهای مطلوب و نامطلوب و آداب و اصولی دارد که مکتوب یا غیر مکتوب مورد پذیرش افراد قرار گرفته، بینش، دانش و رفتار آنها را متأثر می‌سازد (امیری، ۱۳۸۷: ۱۵۴). فرهنگ را می‌توان نظام‌واره‌ای از «عقاید و باورهای اساسی»، «ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری» ریشه‌دار و دیرپا و «نمادها» و «مصنوعات» که ادراکات، رفتار و مناسبات جامعه را جهت و شکل می‌دهد و هویت آن را می‌سازد تعریف کرد (نقشه مهندسی فرهنگی کشور). به طور کلی، فرهنگ یا تمدن به معنای کلیت درهم تافتته‌ای است که شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم و هر گونه توانایی و عادت‌ی که آدمی به عنوان عضوی از جامعه به دست می‌آورد، است. (ساروخانی،



۱۳۷۰: ۱۶۵؛ آشوری، ۱۳۸۰: ۴۷؛ کوش، ۱۳۸۱: ۲۷؛ جمعی از نویسندگان، بی‌تا: ۱۲۷)

گروهی خاستگاه دین را فرهنگ می‌دانند و دین را به عنوان یک محصول فرهنگی معرفی می‌کنند. برای نمونه، اگ برن<sup>۱</sup> و نیم‌کوف<sup>۲</sup>، دین را یکی از سازمان‌های اجتماعی کهن می‌شناسند و افزون بر این مفاهیم، موضوعات و مراسم دینی را بسته به نوع جامعه‌ای که دین در آنجا شکل می‌گیرد، متفاوت با دیگر جوامع می‌بینند. امیل دورکیم، جامعه‌شناس برجسته غرب نیز خاستگاه دین را فرهنگ می‌شناسد. شماری از اندیشمندان مسلمان نیز دین را به عنوان یک محصول فرهنگی می‌شناسند و خاستگاه دین را فرهنگ می‌دانند. برای نمونه، نصر حامد ابوزید در بخش‌هایی از آثار خویش، به خصوص کتاب «مفهوم النص»، قرآن را یک محصول فرهنگی می‌خواند و دین را پس از شکل‌گیری، در فرهنگ تأثیرگذار می‌بیند (بهرامی، ۱۳۸۷: ۱۹۸). در واقع؛ محرک اجتماع و ایجادکننده انگیزه، فرهنگ است. بنابر این، فرهنگ یک جامعه در گرایش افراد به سوی دین و ایجاد انگیزه‌های معنوی تأثیر بسزایی دارد. هر اندازه فرهنگ اسلامی درون جامعه رونق داشته باشد، انگیزه‌های دینی قوی‌تری میان افراد ایجاد می‌شود. به عبارت دیگر؛ رابطه فرهنگ اسلامی و انگیزه دینی، رابطه مستقیم است.

#### ۴. خانواده

خانواده اساسی‌ترین واحد جامعه محسوب می‌شود که نقش بسزایی در تربیت و ایجاد انگیزه معنوی درون فرزندان دارد. از آنجا که مهم‌ترین دوران شکل‌گیری شخصیت؛ یعنی سن تولد تا هفت سالگی، در خانواده سپری می‌شود. لذا این نهاد، نقش پررنگی در ایجاد انگیزه درون کودکان خواهد داشت. آیت الله جوادی آملی از نقش عظیم خانواده در تربیت و ایجاد انگیزه این‌گونه یاد می‌کند: «با توجه به آیات الهی اگر گفته شود که هدایت و ضلالت افراد مرهون هدایت‌ها و گمراهی‌های خانوادگی است، سخنی به گزاف گفته نشده است» (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۵۰). اگر خانواده ارزش‌های دینی را ملاک رفتار قرار دهد، درون کودکی که در این محیط پرورش می‌یابد نیز انگیزه‌های دینی و معنوی شکل می‌گیرد و به سمت و سوی ارزش‌های اسلامی رهنمون می‌شود.

1. William Filding Ogburn.

2. Meyer Francis Nimkoff



## ۵. تبلیغات

تبلیغ به معنای آگاهی‌بخشی و رساندن پیام است. این امر در دنیای امروز، با هدف ارتقای سطح علمی جامعه، برانگیختگی و ایجاد انگیزه و به دنبال آن، بسیج افکار و نیروهای مردمی در جهت هماهنگی با اصل مورد نظر صورت می‌پذیرد. (زورق، ۱۳۶۸: ۴۰؛ مطهری، ۱۳۷۷: ۳۴)

تبلیغات به دو نوع مستقیم و غیر مستقیم تقسیم می‌شود: در تبلیغ مستقیم، مبلغین دین مقدس اسلام در اصول و فروع دین و دیگر معارف دینی، حتی تاریخ اسلام، مردم را هدایت می‌کنند، نامسلمانان را مسلمان و مسلمانان را مسلمان‌تر و مسلمان غیر شیعه‌ای را به مذهب و معارف شیعه رهبری می‌کنند.

اما تبلیغ غیر مستقیم شیوه‌ای از تبلیغ است که خواه ناخواه با هر کسی همراه و از هر کسی ساخته است. هر فردی خواه ناخواه مبلغ افکار و روحیات و طرز تعلیم و تربیتی است که فراگرفته است. به عبارت دیگر؛ هر فرد هنگام ورود به هر مجلسی، با افکار خود به آن مجلس می‌آید، با روحیات خود به آن مجلس قدم می‌گذارد، با عقاید خوب یا بدی که دارد، وارد آن محیط می‌شود و خواه ناخواه تا حدودی در آن محیط اثر می‌گذارد. البته تبلیغ غیر مستقیم به مراتب مؤثرتر و مفیدتر است. (آیتی، ۱۳۷۸: ۷۱)

از مسائلی که در تبلیغات حائز اهمیت است و سبب موفقیت یا عدم موفقیت می‌شود، عنصر زمان است. مقتضیات تبلیغی زمان‌ها برای برنامه‌ریزی مناسب در هر عصر، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زمان‌شناسی به برنامه‌ریزان در هر عصر این امکان را می‌دهد تا با زمان، ابزارها و شیوه‌های تبلیغی را متحول کنند؛ همچنان که روش پیامبران و ائمه نیز این گونه بوده است. (خاکپور و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۲۸)

راز موفقیت تبلیغات در ایجاد انگیزه دینی، همگام بودن با زمان و استفاده از ابزار و وسایل متناسب با شرایط و سطح فکری و فرهنگی افراد است.

## ۶. جذابیت هدف

معمولاً افراد به طور طبیعی به سوی کارهایی کشیده می‌شوند که در نظر آنها مهم و با ارزش جلوه می‌کند. از طرفی نیز ارزش و اهمیت کارها بستگی به هدف و غرضی دارد که از انجام آنها دارند. بنابر این، هر اندازه که نتیجه مهم باشد، تلاش بیشتری برای نیل به آن خواهد شد و این تلاش و کوشش بیشتر، حاکی از انگیزه افراد است. رابطه



میان جذابیت هدف و داشتن انگیزه بالا را حضرت علی (ع) این گونه بیان می‌فرماید: «مَنْ كَبَّرَتْ هِمَّتَهُ كَثُرَ اهْتِمَامُهُ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۴۵۳)؛ هر کس همتش بزرگ باشد، سعی و کوشش او نیز بیشتر خواهد بود. بنابر این، هنگامی که انسان با هدفی جذاب روبه‌رو شود، انگیزه بیشتری در جهت نیل به مقصود پیدا کرده، به تبع آن تلاش و کوشش بیشتری مبذول می‌دارد.

## ۷. ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها

ارزش، کلیه‌اموری است که مطلوبیت اخلاقی دارند؛ چه افعال باشند و چه غیر افعال (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۱۰۵) ضد ارزش، مخالف ارزش و اموری است که مطلوب و محبوب نیستند.

### یک) شناخت ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها

بر اساس دیدگاه اسلامی، پس از بررسی ارزش‌ها و ضد ارزش‌های انسانی، ماهیت اساسی انسان، ابعاد روحی، نیروهای مثبت و منفی و توانایی‌های درونی وی این نتیجه به دست می‌آید که رفتار آدمی هر لحظه تحت تأثیر نیروهای مثبت و منفی است و به هر میزان که ارزش‌های انسانی در او تقویت شده باشد و ویژگی‌های انسان رشد یافته و کامل اسلامی بر او حاکم باشد و در جهت قرب الهی گام بردارد، به همان میزان نیز انگیزه‌ها و جاذبه‌های معنوی در او کارساز خواهد بود و به عکس، به هر اندازه که نیروها و ارزش‌های منفی بر وجود او حاکم باشد، رفتار او توسط انگیزه‌های پست شکل می‌گیرد. (بخشی، ۱۳۸۰: ۶۲)

اگر انسان به مرحله‌ای از شکوفایی عقلی رسید که توانایی تشخیص ارزش از ضد ارزش را داشت، به دلیل انگیزه کمال جوی خویش، به سوی ارزش‌ها متمایل شده و از ضد ارزش‌ها دوری می‌جوید. پس شناخت، عامل مؤثری در ایجاد انگیزه معنوی است.

### دو) درونی کردن ارزش‌های اخلاقی اسلام

کسی که در جامعه‌ای زندگی می‌کند که افرادش در مقابل ارزش‌های اخلاقی اسلام احساس مسئولیت می‌کنند و در برابر زیر پا گذاشتن آنها واکنش نشان می‌دهند، به تدریج با ارزش‌ها و ضد ارزش‌های اخلاقی آشنا می‌شود. به علاوه، با سلسله‌مراتب

ارزش‌ها و ضدارزش‌ها نیز آشنا می‌شود؛ زیرا مشاهده می‌کند که جامعه در برابر تخلف از بعضی ارزش‌ها، واکنش شدید و در مقابل تخلف از برخی دیگر، واکنش ضعیف نشان می‌دهد. بدین ترتیب فرد به تدریج با ارزش‌های اخلاقی اسلام آشنا می‌شود و آنها را درونی می‌کند و در نتیجه، نظام ارزشی مطلوب در فرد، شکل می‌گیرد و تقویت می‌شود (داودی، ۱۳۸۷: ۱۴۴). هنگامی که ارزش‌های اسلامی درونی شد، زمینه‌ی ایجاد انگیزه‌های معنوی نیز به وجود می‌آید و فرد به سوی کسب ارزش‌ها گام برمی‌دارد.

### سه) حاکمیت بخشیدن به ارزش‌های اخلاقی اسلام در جامعه

برخورد با تخلفات، فرهنگ یکپارچه‌ای را در جامعه پدید می‌آورد. در چنین جامعه‌ای ارزش‌ها و ضدارزش‌ها تا حد زیادی روشن و مشخص می‌شوند و هر فرد می‌داند که واکنش دیگران در برابر رعایت یا عدم رعایت آنها چه خواهد بود. بنابر این، بستری مناسب برای رعایت ارزش‌ها و زمینه‌ای نامناسب برای تخلف از ارزش‌ها فراهم می‌شود و در نتیجه، کمتر کسی به خود اجازه می‌دهد ارزش‌ها را زیر پا بگذارد (همان). به عبارت دیگر؛ از آنجا که انسان‌ها در تأثیرپذیری از روش‌ها متفاوتند، لذا در ایجاد انگیزه نه تنها از عوامل درونی (عواملی مانند آگاهی که در فرد انگیزه درونی ایجاد می‌کند) بلکه از عوامل بیرونی نیز باید یاری جست.

### ۸. یاد خدا

انگیزه‌دینداری یک انگیزه روانی است که ریشه فطری در سرشت انسان دارد؛ زیرا انسان در اعماق وجود خود انگیزه‌ای را احساس می‌کند که او را به تحقیق و تفکر درباره آفریدگار خویش و جهان هستی و عبادت و چاره‌جویی از او و پناه بردن به او وامی‌دارد و به هنگام فشار مشکلات و گرفتاری‌های زندگی از او کمک می‌خواهد. اصولاً انسان امنیت و آرامش خویش را در حمایت و سرپرستی خداوند از خود می‌یابد. اگرچه تصور انسان‌ها از خداوند و روش عبادتشان متفاوت است ولی این تفاوت‌ها، تنها در روش تعبیر و تبیین انگیزه فطری دینداری است. از جمله عواملی که به بیداری و فعال شدن این انگیزه کمک می‌کند، وجود خطرهایی است که در برخی اوقات زندگی را تهدید می‌کند و تمام راه‌های نجات را در برابرش می‌بندند؛ به طوری که هیچ گریزگاهی جز پناه بردن به خدا ندارد. در اینجاست که انسان با همان انگیزه فطری به سوی خدا کشیده می‌شود



و از او برای برطرف کردن خطر، کمک و یاری می‌جوید (نجاتی، ۱۳۸۶: ۶۸). قرآن کریم در این باره می‌فرماید: او کسی است که شما را در خشکی و دریا می‌گرداند، تا وقتی که در کشتی‌ها باشید و آنها با بادی خوش، آنان را ببرند و ایشان بدان شاد شوند [به ناگاه] بادی سخت بر آنها وزد و موج از هر طرف بر ایشان تازد و یقین کنند که در محاصره افتاده‌اند، در آن حال خدا را پاکدلانه می‌خوانند که: «اگر ما را از این [اورطه] برهانی، قطعاً از سپاسگزاران خواهیم شد. (یونس: ۲۲)

مهم‌ترین متغیرهای اثرگذار بر انگیزش معنوی مورد بررسی قرار گرفت؛ اهل بیت (ع) با روش‌های مختلف از این عوامل استفاده کرده و زمینه را برای تربیت و ایجاد انگیزه‌های دینی فراهم کرده‌اند که در ادامه این روش‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند.

## ز) اهل بیت (ع) و ایجاد انگیزه دینی

گاه روش‌هایی برای ایجاد انگیزش در سازمان‌ها پیشنهاد می‌شود، نظیر کاربرد انگیزش‌های مثبت و منفی و استفاده از غنای شغلی و... (علی‌احمدی، ۱۳۸۷: ۳۰۸). ولی در اسلام برای ایجاد انگیزه از روش‌های ایجادیه مانند ارائه الگو، تبشیر، تشویق و... استفاده می‌شود. البته روش‌های انگیزش در اسلام به روش‌های ایجادیه خلاصه نمی‌شود، بلکه شامل روش‌های اصلاحی نظیر روش تغافل، تنبیه، انذار و... نیز می‌شود.

### ۱. روش‌های ایجادیه

روش‌های ایجادیه، روش‌های تربیتی‌اند در جهت ایجاد انگیزه و عبارتند از:

#### یک) ترغیب (تشویق)

«ترغیب» از ابزاری است که در تربیت آدمی و گرایش فرد به انجام اموری که بدان فراخوانده می‌شود، تأثیر شگرفی دارد. ترغیب از «رغبه» مشتق شده و رغبه به معنای میل و اشتیاق است. بنابر این، «ترغیب» ایجاد میل و رغبت نسبت به چیزی در یک یا چند فرد است (انیس، ۱۳۶۷، ذیل واژه رغب). تشویق به نحوی ارضاکنده نیازهای انسان است و موجب اعتقاد و اعتماد بیشتر شخص به نتیجه عملش می‌شود و مشوق بیشتری برای انجام عمل در وی فراهم می‌آید، که به صورت‌های گوناگونی می‌تواند انجام شود: گفتاری و کلامی، عملی و فعلی. در تشویق‌های گفتاری و کلامی، با سخن و گفتار خویش، رفتار متربی را مورد تأیید قرار می‌دهیم. کلماتی همچون: احسنت، آفرین! بارک‌الله! چه کار

خوبی! به به! و ... هر کدام بار معنایی خاصی دارند و به نحوی در مرتبی تأثیر می‌گذارند. تشویق‌های عملی نیز در قالب‌ها و صور گوناگونی می‌تواند انجام شود؛ نگاه همراه با لبخند و نشاط، بوسیدن، هدیه دادن، با او همراه شدن.

تشویق از روش‌هایی است که در سیرهٔ پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) برای ایجاد انگیزه و گرایش مردم به کارهای نیک به کار رفته است. در روایتی است که پیامبر اکرم(ص) وارد مسجدی شدند، در این هنگام دو گروه در مسجد هر کدام به کار خاصی مشغول بودند. یکی به عبادت و دیگری به تعلیم و تعلّم و فقاقت؛ حضرت فرمودند: «فَإِذَا فِي الْمَسْجِدِ مَجْلِسَانِ مَجْلِسٌ يَتَفَقَّهُونَ وَ مَجْلِسٌ يَدْعُونَ اللَّهَ وَ يَسْأَلُونَهُ فَقَالَ كِلَا الْمَجْلِسَيْنِ إِلَيَّ خَيْرٌ أَمَّا هَؤُلَاءِ فَيَدْعُونَ اللَّهَ وَ أَمَّا هَؤُلَاءِ فَيَتَعَلَّمُونَ وَ يُفَقِّهُونَ الْجَاهِلَ هَؤُلَاءِ أَفْضَلُ بِالْتَّعْلِيمِ أَرْسَلْتُ ثُمَّ قَعَدَ مَعَهُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۲۰۶) کِلَا الْمَجْلِسَيْنِ إِلَيَّ خَيْرٌ؛ هر دو مجلس (گروه) خیر و سعادت آفرین است». این خود تشویقی کلامی است بر کار هر دو گروه، تشویقی کلامی که مخاطب خیالش آسوده می‌شود که کارش بی‌ثمر و فایده نیست. سپس حضرت عتّ گفتار خویش را روشن می‌سازد، اما چون مجلس فقاقت و تعلّم فقه، کاری بس با اهمیت است و زمینه بسیاری از رفتارهای صواب دیگر را فراهم می‌سازد، تشویقی ویژه می‌خواهد. به همین جهت، حضرت با بیان این نکته که من برای تعلیم انسانها فرستاده شده‌ام، از بین دو مجلس، مجلس تعلیم و تعلّم را بر می‌گزیند و در جمع آنها حضور پیدا می‌کند، که این خود استفاده از دو نوع تشویق کلامی و گفتاری است. از آنجا که طبع آدمی خواهان برتری بر دیگران است، ستایش و مدح وی می‌تواند عامل مهمی در ایجاد انگیزه معنوی باشد. تشویق، علاقه و رغبت ایجاد می‌کند و همین امر فرد را به طور خودکار متمایل به انجام امورات می‌کند.

## دو) تبشیر

«تبشیر» به معنای آگاهی دادن یا نوید دادن مردم نسبت به پاداش و پیامدهای خوشایند رفتار، یکی دیگر از روش‌های ایجاد انگیزهٔ دینی است. در این روش با آگاهی دادن از نتایج و ثمرات کارهای نیک و خوب به مخاطب، شوق و انگیزهٔ کافی برای انجام عمل را در او فراهم می‌آوریم و آن چنان سروری در وی ایجاد می‌کنیم که اثر و نتیجهٔ آن در ظاهر و صورت او آشکار می‌شود. به عبارت دیگر؛ خبر و آگاهی باید چنان باشد و به گونه‌ای ارائه شود که علاوه بر شوق و انبساط درونی، فرح و سرور ظاهری را نیز



به همراه داشته باشد. پیامبران به عنوان مربیان الهی بشر، همواره از این روش، بهره می‌جستند و به همین جهت عنوان «مبشّر» یافته‌اند: «وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ...» (انعام: ۴۸)؛ و ما پیامبران [خود] را جز بشارتگر و هشداردهنده نمی‌فرستیم. همچنین تبشیر یکی از شیوه‌های تربیتی ائمه (ع) است. امام صادق (ع) درباره رسیدگی به برادران ایمانی می‌فرماید: «مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ طَلَبَ وَجْهِ اللَّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ أَلْفِ حَسَنَةٍ يَغْفِرُ فِيهَا لِأَقْرَبِيهِ وَجَيْرَانِهِ وَإِخْوَانِهِ وَمَعَارِفِهِ» (دبلمی، ۱۴۱۲: ۲۸۶)؛ کسی که در پی برآوردن نیاز برادر مؤمن خود است، خداوند نیز تا هنگامی که وی در این کار است، در پی تأمین نیازهای اوست. بشارت دادن موجب ایجاد انگیزه می‌شود؛ زیرا فرد هنگامی که سرانجام نیک کار خود را بداند، با شوق بیشتری در پی انجام آن می‌رود و ایجاد شوق درون فرد، همان ایجاد انگیزه است.

### سه) تحریک انگیزه‌های ایمانی

یکی دیگر از روش‌هایی که معصومان (ع) برای پرورش انگیزه به کار می‌بردند، روش تحریک ایمان است. در این روش، معصومان با توسل به ایمان و اعتقادات دینی افراد و تحریک آن، آنان را به رفتارهای اخلاقی سوق می‌دادند. دوری کردن از مجالس لهو و لعب و گوش فرا ندادن به غنا و موسیقی‌های مناسب مجالس لهو و لعب، یکی از ارزش‌های اخلاقی اسلامی است که در متون دینی بر آن بسیار تأکید شده است. با این حال، معصومان (ع) برای ترغیب مردم به دوری کردن از این رفتار ضد اخلاقی از مایه‌های ایمانی آنان استفاده می‌کردند. به این سیره توجه فرمایید: «از ابوبصیر نقل شده که همسایه‌ای داشته که از عمال و کارگزاران حکومتی بود و از راه حرام، ثروتی به هم زده بود و شب‌ها مجالس بزمی برپا می‌کرد و خوانندگان زن در آن می‌خواندند و مجلسیان نیز مست می‌شدند و این باعث آزار و اذیت ابوبصیر می‌شد. از این رو ابوبصیر، مکرر از او می‌خواست که از این کار دست بردارد. همسایه با مشاهده اصرار وی به او می‌گوید: ابابصیر! من فردی‌ام که به این امور دچار شده‌ام [و تو توان ترک آن را ندارم] اما تو سالمی و در راه راست؛ حال مرا برای امامت اباعبدالله توضیح بده؛ شاید خداوند مرا از این وضع خلاص کند.

ابوبصیر می‌گوید: من در مسافرت به مدینه، حال و وضع او را برای امام صادق (ع) بیان کردم. امام فرمودند: زمانی که به کوفه برگشتی، همسایه‌ات به دیدن تو خواهد



آمد؛ از قول من به او بگو: از آن کارها دست بکش؛ من قول می‌دهم و متعهد می‌شوم که خداوند تو را وارد بهشت کند. ابابصیر می‌گوید: بعد از بازگشت، وعده امام (ع) را به او گفتم. او از من پرسید: به راستی امام صادق (ع) چنین فرمود؟ گفتم: آری. بعد از چند روز کسی دنبالم فرستاد. وقتی وارد شدم، دیدم پشت در خانه‌اش برهنه ایستاده است. گفت: ای ابابصیر! همه آنچه داشتم به صاحبانش باز گرداندم و چیزی برایم نمانده است. من از چند تن از دوستان و برادرانم برای او مایحتاج اولیه را تهیه کردیم. بعد از چند روز پیام فرستاد که مریضم. به عیادت او رفتم و به معالجه او پرداختم؛ اما فایده‌ای نکرد. در هنگام احتضار بیهوش شد، پس از آنکه به هوش آمد گفت: ابابصیر! امام صادق (ع) به وعده‌اش وفا کرد. ابوبصیر می‌گوید: همسایه‌ام این را گفت و مرد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۹۵). در این سیره، امام (ع) با تحریک ایمان و اعتقاد همسایه ابوبصیر به خدا و معاد و بهشت، او را از انجام رفتارهای ناشایست بازداشت و به انجام رفتارهای شایسته تشویق کرد.

#### چهار) ارائه الگو

از دیگر روش‌های ایجاد انگیزه دینی «روش الگویی» است. این روش در سرتاسر زندگی و ابعاد مختلف آن کاربرد دارد و از آنجا که محتوای تربیت را به صورت عینی و عملی ارائه می‌دهد، در انتقال مفاهیم و آموزش برنامه‌های تربیتی، بسیار مؤثر است. شاید به همین دلیل است که در منابع اسلامی، بر بهره‌گیری از الگو و پیروی از اسوه‌های حسنه تأکید شده است. روش الگویی می‌تواند به صورت‌های گوناگونی مانند: الگودهی و الگودایی صورت پذیرد که در ذیل به تبیین آنها می‌پردازیم.

- **الگودهی:** مقصود از الگودهی، ارائه الگوهای مثبت و حقیقی است؛ یعنی الگوهایی که در خارج تحقق یافته و قابل مشاهده است که این خود می‌تواند به دو صورت ارائه شود: **اول:** ارائه الگو از خویش‌تن؛ در این شیوه، مرتبی رفتار و صفات مطلوب را عملاً در رفتار خود منعکس می‌کند. شاید بهترین مصداق برای تربیت الگویی همین باشد که مرتبی در مقام عمل یک الگوی تمام‌عیار برای متربّیان خود باشد؛ چرا که مرتبی قول و فعل مرتبی را هماهنگ می‌بیند و نظریه و عمل را با هم تجربه می‌کند. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع كُونُوا دُعَاءَ لِلنَّاسِ بَعِيرِ السِّنْتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْوَرَعَ وَ الْاجْتِهَادَ وَ الصَّلَاةَ وَ الْخَيْرَ فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۷۶)

امام (ع) در این جمله، عمل انسان؛ یعنی تقوای عملی، تلاش و کوشش، نماز و



کارهای خیر را هدایتگر می‌دانند و می‌فرمایند: با غیر زبان، مردم را [به سوی حق] دعوت کنید. بهترین مرتبی و الگو کسی است که رفتارش، گفتار وی را تأیید کند. با این عمل، صداقت مرتبی برای مرتبی ثابت می‌شود و شک و تردید مرتبی را برای الگوبرداری از بین می‌برد.

**دوم:** ارائه الگو از دیگران؛ در این شیوه، مرتبی سعی می‌کند افرادی را که جنبه الگویی دارند به مرتب‌یان معرفی کند. در این مرحله، مرتبی می‌تواند به دو گونه عمل کند: در شیوه اول، برنامه را به گونه‌ای تنظیم می‌کند تا مرتبی بتواند الگو را به طور زنده و در حال انجام اعمال و رفتار مطلوب ببیند یا نتیجه صفت و خصلت نیکویی را مشاهده کند. شیوه دوم این است که مرتبی اسوه‌ها و الگوهای مطلوب را که در ظاهر از دید مرتبی پنهان هستند ولی در گذشته تحقق خارجی داشته و سنت و روش زندگی آنها در جامعه از رونق و درخشش خاصی برخوردار بوده است، به مرتبی معرفی کند و خصوصیات شخصیتی و سیره فردی و اجتماعی آنها را برای وی تبیین کند. (قائمی مقدم، ۱۳۸۲: ۲۹)

نمونه این نوع از روش الگویی، در قرآن کریم فراوان دیده می‌شود. قرآن کریم در موارد متعددی به معرفی الگوهای الهی می‌پردازد. صریح‌ترین کلام الهی در این باره، آیه بیست و یکم سوره احزاب است که پیامبر گرامی اسلام (ص) را به عنوان اسوه حسنه معرفی می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...» قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشتقی نیکوست.

در روایات و سیره اهل بیت (ع) هم به وفور به این نوع الگودهی اشاره شده است. مثلاً، پیامبر گرامی اسلام (ص) اهل بیت خود را به مردم معرفی کرده، آنها را به تبعیت از ایشان فرا خوانده‌اند؛ تا جایی که آنان را به سفینه نجات و کشتی نوح تشبیه کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳: ۱۰۵، ۱۱۹، ۱۲۰). امیرالمؤمنین (ع) نیز پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) به همین نوع تربیت الگویی اشاره دارند و با معرفی پیامبر و خصوصیات ممتاز آن حضرت، بیان می‌کنند که: «واقفدوا بهدی نبیکم فانه افضل الهدی واستنوا بسنته فانها الهدی السنن»؛ به هدایت پیامبرتان اقتدا کنید؛ چرا که آن بهترین هدایت است و از سنت (و روش) او پیروی کنید که آن، هدایت‌کننده‌ترین سنت است.

- الگودایی: شیوه دیگر استفاده از الگو در تربیت، الگودایی است؛ به این معنا که





الگوها و شخصیت‌های منفی چنان ترسیم می‌شوند که نوعی دلزدگی و نگرشی منفی در مرتبّی، نسبت به آن الگوها پدید می‌آید. در چنین مواردی، طبیعتاً پیدایش نگرش مثبت نسبت به الگوهای متقابل امری عادی است. به عبارتی دیگر؛ در چنین مواردی، مربی می‌تواند با ارائه الگوهای منفی و توصیف عواقب سوء آنها، نوعی نگرش مثبت در جهت عکس آنها در مرتبّی ایجاد کند. از کلام امام علی (ع) استفاده می‌شود که شناخت هدایت‌ها در گرو شناخت ضلالت‌ها و گمراهی‌هاست. در این جملات، امام (ع) یکی از راه‌های شناخت را به طور کلی، شناخت اضداد می‌داند و شناخت الگوی مطلوب هم از این قاعده مستثنا نیست؛ یعنی با وقوف بر الگوهای بد و ویژگی‌های نامطلوب آنان، می‌توان به حقانیت و درستی الگوهای مثبت پی برد، که همین آگاهی، زمینه را برای تبعیت و پیروی از الگوهای مطلوب فراهم می‌سازد. (قائمی مقدم، ۱۳۸۲: ۳۱)

### پنج) روش داستان

داستان توجه را جلب می‌کند و میل به شنیدن و شوق به پیگیری حوادث را برمی‌انگیزد. به همین دلیل، از دیرباز در همه جوامع استفاده از داستان‌گویی برای تعلیم و تربیت امری مرسوم بوده است. قرآن کریم برای تربیت روانی مردم و موعظه و ارشاد آنان و آموزش دادن بسیاری از عوامل عبرت‌آمیز و خردآموز به آنها، از داستان استفاده کرده است. قرآن کریم به تأثیر تربیتی داستان اجمالاً اشاره کرده است آنجا که می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَاب...» (یوسف: ۱۱۱)؛ به راستی در سرگذشت آنان، برای خردمندان عبرتی است.

پیامبر خدا (ص) نیز برای ایجاد انگیزه در پیروانش از داستان کمک گرفته است. داستان تأثیر فراوانی در جلب توجه آنان و تشویق به گوش دادن، برای فراگرفتن پندها و حکمت‌های نهفته در داستان داشت. پیامبر (ص) برای بسیاری از اهداف تربیتی از جمله: آموختن ارزش ایمان به خدای یگانه و شرک نوزیدن به او، پیمودن مسیر تقوا، آراسته شدن به اخلاق و... از روش داستان‌گویی برای ایجاد انگیزه در میان مسلمانان استفاده می‌کردند. به عنوان نمونه، داستانی از پیامبر (ص) نقل شده که هدفش تشویق مسلمانان به خودداری از شرب خمر است: «پیامبر (ص) فرمودند: از شراب دوری کنید؛ زیرا که شراب ریشه همه گناهان است. در زمان‌های گذشته مردی بود که زنی گمراه دلباخته او شده بود. آن زن کنیز خود را در پی او فرستاد تا بیاید و شهادتی بدهد. مرد با کنیز آمد



از هر دری که وارد می‌شود، کنیز آن در را پشت سر او می‌بست تا آنکه وارد اتاقی شد و زنی زیباروی را دید که کنارش غلامی و سبوی شرابی است. زن گفت: راستش من تو را برای شهادت دادن فرا نخواندم، بلکه برای این از تو خواستم بیایی که با من درآمیزی، یا آنکه از این شراب جامی بنوشی یا این غلام را بکشی. مرد گفت: از این شراب جامی به من ده. زن جامی به او نوشاند. مرد گفت باز هم بده و آن قدر نوشید که سرانجام هم با آن زن همبستر شد و هم غلام را کشت. پس، از شراب دوری کنید؛ زیرا به خدا سوگند شراب و ایمان هرگز با هم جمع نشوند مگر آنکه یکی از آن دو دیگری را بیرون کند» (ناصر، ۱۹۷۵، ج ۳: ۱۴۴). پیامبر (ص) با استفاده از این داستان، شنوندگان خود را با زاینهای شراب که عبارت است از: زایل شدن عقل، سست شدن اراده و افتادن در ورطه گناه، آشنا کرده و انگیزه اجتناب و دوری از محرمات را درون آنها ایجاد می‌کند.

### شش) برخورد عادلانه

یکی دیگر از متغیرهای مؤثر بر انگیزش افراد، نحوه برخورد با آنهاست. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «وَلَا يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَالْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةِ سَوَاءٍ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ تَرْهِيداً لِأَهْلِ الْإِحْسَانِ فِي الْإِحْسَانِ وَتَدْرِيباً لِأَهْلِ الْإِسَاءَةِ عَلَى الْإِسَاءَةِ» (نهج البلاغه: نامه ۵۳)؛ هرگز نباید افراد نیکوکار و بدکار در نظرت مساوی باشند؛ زیرا این کار سبب می‌شود که افراد نیکوکار در نیکی‌هایشان بی‌رغبت و بدکاران در عمل بدشان تشویق شوند.

بنابر این، نحوه برخورد با افراد، تأثیر مستقیمی بر شکل‌دهی انگیزه‌های آنها دارد. برخورد منصفانه می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری یک انگیزه مثبت باشد و بالعکس. به عنوان مثال، اگر یک مدیر در حیطه مدیریت خود عادلانه و بر اساس حق برخورد کند و حق هر کس را بر اساس استحقاق آن شخص بدهد، مسلماً کارمندان خود را تشویق به کار بیشتر کرده و انگیزه تلاش و فعالیت را در آنها تقویت می‌کند. اما اگر مدیری ناعادلانه با کارمندان برخورد کند، دیگر هیچ انگیزه‌ای برای کار و تلاش درون کارمندان باقی نمی‌ماند و به نوعی همه به سمت کم‌کاری کشیده شده و بی‌انگیزه می‌شوند.

### ۲. روش‌های اصلاحی

به روش‌هایی که در جهت اصلاح و بازسازی یک رفتار صورت می‌گیرد، «روش‌های اصلاحی» گفته می‌شود. از آن جا که این روش‌ها باعث اصلاح و بهسازی می‌شوند، لذا نقش مؤثری در ایجاد انگیزه خواهند داشت. ائمه (ع) نیز با استفاده از این روش و اصلاح



افکار و عقاید و رفتار انسان‌ها، انگیزه‌های دینی و معنوی درون افراد ایجاد کرده‌اند. روش اصلاحی شامل مواردی است که در ذیل می‌آید:

### یک) انذار

انذار به معنای ترسانیدن، بیم دادن و آگاه کردن است (معین، ۱۳۷۸). انذار در حقیقت اخبار و آگاهی از پیشامدها و نتایج سوئی است که بر عمل مترتب خواهد شد (در مقابل تبشیر). راغب در مفردات، انذار را چنین معنا کرده است: «اخبار فیه تخویف». در حقیقت انذار نوعی خبر دادن است که زمینه‌های ترس و وحشت گیرنده خبر را فراهم می‌آورد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۹۷). با توجه به آیات قرآنی می‌بینیم که پیامبران عموماً از این شیوه بهره گرفته‌اند و کوشیده‌اند امید بر خاسته از بشارت را در مخاطبان خود، زنده و از ترس حاصل از انذار، در مسیر رشد آنها استفاده کنند. از نظر اصول تربیتی، خطرناک‌ترین روش در تربیت یک انسان، تکیه بر امید تنها یا بیم تنهاست که یا به طغیان می‌انجامد و یا به یأس (سجانی، ۱۳۷۵، ج ۱۰: ۳۳۰). امام سجاد (ع) در فرازی از صحیفه سجادیه می‌فرماید: «ای خداوند، مرا چنان مترسان که ترسم به نومیدی کشد و چنان مرا بیم مده که وحشت بر سراسر قلبم چیره شود. چنان کن که ترسم تنها از عذاب تو باشم و وحشتم از انذار و هشدار تو و دهشتم به هنگام تلاوت آیات کتاب تو» (صحیفه سجادیه: ۳۳۳). پس انذار و تبشیر دو اصل توأمان در ایجاد انگیزه می‌باشند؛ یعنی همان گونه که تبشیر، انگیزه انجام فضایل را به وجود می‌آورد؛ در نقطه مقابل، انذار انگیزه اجتناب از رذایل را به وجود می‌آورد.

### دو) تنبیه

«تنبیه» در لغت، به معنای آگاهانیدن، بیدار کردن، واقف گردانیدن به چیزی و آگاه و هوشیار کردن آمده است (دهخدا، ۱۳۸۵: ۷۸۵) و هدف مربی از آن در برنامه‌های تربیتی، آگاه کردن فرد بر خطای خویشتن بوده و راه اصلاح آن را در فرا روی وی قرار دادن است. در مواردی که پند و موعظه و آگاهی دادن به ضررهای لغزشها و سایر شیوه‌ها بی‌تأثیر باشد، می‌توان به عنوان آخرین شیوه برای تغییر رفتار، از تنبیه مناسب با رعایت مراتب آن استفاده کرد (پاک‌نیا، ۱۳۸۴: ۳۱). تا وقتی راه اصلاح و تأدیب شخص منحصر به تنبیه نباشد یا دست‌کم کارایی روش تنبیه در مواردی خاص بیشتر و یا بهتر از روش‌های دیگر نباشد، استفاده از تنبیه جایز نخواهد بود. علاوه بر این، اگر راه‌های دیگری در



کار باشد که کارایی بهتری از روش تنبیه داشته باشند، به موجب آیه «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (فصلت: ۳۴)، باید از آن روش‌ها استفاده کرد. تنبیه تنها اثری که ممکن است داشته باشد این است که کودک را از دست‌زدن به عمل خلاف مادام که بداند تنبیهی در کار است باز می‌دارد و همین که مطمئن شد دیگر تنبیهی در کار نیست، دوباره به آن کار دست خواهد زد (کریمیان، ۱۳۸۷). حضرت علی (ع) می‌فرمایند: کسی که خوش‌رفتاری او را اصلاح نکند، خوب کیفر دادن او را اصلاح خواهد کرد (تمیمی آمدی، ۱۳۳۸، ج ۲: ۶۴۰). پس تنبیه عاملی بازدارنده است که انگیزه اجتناب و دوری از کار بد را در انسان ایجاد می‌کند. ما اگر این مسئله را مدنظر داشته باشیم که پیروی از رذایل اخلاقی، تنبیهی چون جهنم و عذاب‌های اخروی را در پی دارد، انگیزه‌ای در جهت دوری از صفات بد و روی آوردن به صفات خوب در ما شکل می‌گیرد.

### سه) تغافل

پس از آنکه خطای مرتبی مسلم گشت، باید در مرحله اول، در صورتی که خطا ناچیز و اندک باشد، آن را نادیده انگاشت و به گونه‌ای عمل کرد که گویا از هیچ چیز خبر نداشتیم، به چنین کاری «تغافل» گویند. یکی از اصول اخلاقی ائمه، «تغافل» است که دارای آثار درخشان تربیتی است و از نظر روان‌شناسی، نقش به‌سزایی در آرامش روان و ایجاد انگیزه در میان افراد دارد. البته تغافل با غفلت تفاوت دارد؛ تغافل یعنی شخصی چیزی را می‌داند و از آن آگاهی دارد ولی از روی مصلحت، خود را غافل و بی‌خبر نشان می‌دهد و به گونه‌ای برخورد می‌کند که طرف مقابل تصور می‌کند که او از موضوع بی‌خبر است (عبدوس و اشتهاودی، ۱۳۷۷: ۸۱). یکی از ثمراتی که بر تغافل مترتب است، بالا رفتن شأن و مرتبه مربی در نظر مرتبی است؛ زیرا مرتبی خودبه‌خود می‌داند که خطا و اشتباهی انجام داده و چه بسا مربی نیز فهمیده است اما با بزرگواری از کنار خطای او گذشته و خم به ابرو نیاورده است. بدین جهت زمینه اعتماد و گرایش بیشتر مرتبی به مربی نیز فراهم می‌آید. در روایتی آمده است: «وَعَظُمُوا أَقْدَارَكُمْ بِالتَّغَاوُلِ عَنِ الدَّنِيِّ مِنَ الْأُمُورِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۲۴)؛ قدر و منزلت خویش را با چشم‌پوشی از خطاهای ناچیز و اندک، بزرگ دارید. از دیگر اثرات تغافل، ایجاد انگیزه است. هنگامی که انسان، بزرگواری و بخشش را در استاد خود ببیند، انگیزه دوری جستن از آن عمل ناشایست درونش شکل می‌گیرد.

## چهار) نظارت و مراقبت

یکی دیگر از روش‌هایی که در ایجاد انگیزه تأثیر بسزایی دارد، نظارت و مراقبت بر رفتار و تذکر دادن نکات لازم است. انسان که مسیر طولانی تکامل را از کودکی تا بزرگسالی می‌پیماید، هر لحظه ممکن است با خطرهایی روبه‌رو شود که مسیر زندگی او را تغییر دهد. به همین دلیل ناظری لازم است که همیشه مراقب او باشد و او را از پرتگاه‌های زندگی حفظ کند. معصومان(ع) نیز به این امر اهمیت فراوانی می‌دادند و مراقب رفتار و اعمال فرزندان خویش بودند. ایشان معمولاً مراقبت را با آگاهی دادن اعمال می‌کردند؛ به نحوی که پیش از ورود فرزندان به اجتماع، توصیه‌های لازم را به آنان، به ویژه در زمینه دوستیابی و معاشرت با دیگران می‌کردند. از آن جمله می‌توان به توصیه‌های امام حسن(ع) به یکی از فرزندان‌شان اشاره کرد که فرمودند: «فرزندم! با کسی برادری مکن، مگر اینکه بدانی کجا رفت و آمد می‌کند و از چه خانواده‌ای است. هرگاه خوب از احوال او باخبر شدی و معاشرت با او را پسندیدی، با او بر اساس گذشت از لغزش‌ها برادری کن».

اگر انسان احساس کند دائماً تحت نظارت است و افعال و گفتارش بازبینی می‌شود و در مقابل اعمال اخلاقی و خدایسندانه پاداش می‌گیرد و نتیجه اعمال غیراخلاقی او بازخواست و عقوبت است، انگیزه‌ای در جهت گام برداشتن به سوی خوبی‌ها و فاصله گرفتن از ناشایستی‌ها در او به وجود خواهد آمد.

## ح) نتیجه

طبق آنچه گفته شد، انگیزه نیروی محرّکی است که به طور خودکار و بدون ترس و اجبار، انسان را به سوی انجام عمل متمایل می‌کند. به عبارت دیگر؛ آمادگی یا گرایش درونی بالقوه برای پاسخ دادن به موقعیت یا محرّک خاص بیرونی، از بین موقعیت‌ها و محرّک‌های مختلف موجود است. توجه به این نیرو در امر تربیت، مهم و ضروری است. عواملی همچون: فضا، فرهنگ، خانواده، جذابیت هدف و ... در ایجاد و تقویت انگیزه مؤثرند. به کارگیری این عوامل در راستای ایجاد و تحقق انگیزه دینی زمینه را برای تحقق فرهنگ دینی در جامعه فراهم می‌کند. با به کارگیری روش‌های مختلف می‌توان این عوامل را فعال کرد. طبق بررسی‌های انجام گرفته در سیره تربیتی اهل بیت(ع)



دو راهکار عمده جهت ایجاد انگیزه دینی قابل شناسایی است: الف) روش ایجاد دینی در جهت ایجاد و شکل‌دهی انگیزه‌های دینی و اخلاقی، مانند ترغیب، تبشیر، الگو و ... . ب) روش اصلاحی با هدف اصلاح و بهسازی انگیزه‌ها، مانند انذار، تغافل، تنبیه و ... همراهی و همسویی این دو راهکار، ایجاد انگیزه دینی را در پی خواهد داشت و شکل‌گیری و ساماندهی انگیزه‌ها در راستای دین، موجب تمایل و رغبت افراد به سمت فضایل و اجتناب از رذایل خواهد شد و نتیجه آن که، زندگی رنگ الهی و معنوی به خود می‌گیرد و تمام تلاش و تکاپوی انسان در مسیر حق و رسیدن به صفات والای انسانی خواهد بود.

## منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- صحیفه سجاده؛ ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: سروش.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۰). تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ. تهران: آگاه.
- آقاجمال خوانساری، محمد بن حسین (۱۳۶۶). شرح آقاجمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم. تهران: دانشگاه تهران.
- آمدی، عبدالواحد (۱۳۳۷). غرر الحکم و درر الکلم. ترجمه محمدعلی انصاری قمی. تهران: بی‌نا.
- آیتی، محمد ابراهیم (۱۳۷۸). «اصول تبلیغ». پیام حوزه، ش ۲۳: ۸۱-۷۰.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ ق). تحف العقول. محقق و مصحح: علی‌اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ ق). لسان العرب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- اردوبادی، احمد صبور (۱۳۵۸). زیربنای تربیتی و اخلاقی انسان. قم: انتشارات اسلام.
- امیری، علی‌نقی (۱۳۸۷). مدیریت اسلامی. قم: فجر ولایت.
- انیس، ابراهیم و دیگران (۱۳۶۷). المعجم الوسیط. قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بخشی، علی‌اکبر (۱۳۸۰). «مبانی انگیزش از دیدگاه اسلام». مجله معرفت، ش ۵۰: ۷۱-۵۶.
- بهرامی، محمد (۱۳۸۷). «نسبت دین و فرهنگ از نگاه قرآن». فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، ش ۵۵-۵۴: ۲۰۴-۱۷۲.
- پاک‌نیا، عبدالکریم (۱۳۸۴). «شیوه‌های اصلاحی رفتار کودکان و نوجوانان در فرهنگ اهل بیت (ع)». مجله پاسدار اسلام، ش ۲۸۱.
- پیروز، علی‌آقا؛ ابوطالب خدمتی، عباس شفیعی و سید محمود بهشتی‌نژاد (۱۳۸۹). مدیریت در اسلام. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ هفتم.
- جمعی از نویسندگان (بی‌تا). فرهنگ فلسفه و علوم اجتماعی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.

- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). **جامعه در قرآن**. تحقیق مصطفی خلیل. قم: اسراء.
- حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ ق). **وسائل الشیعه**. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
- خاکپور، حسین؛ زینب رنجبر همقاوندی و مهرناز گلی (۱۳۹۲). «**مهندسی فرهنگی نهادینه کردن موضوعات دینی در جامعه با رویکرد قرآنی**». فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال هفدهم، ش ۳: ۵۴۰-۵۱۹.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۷). **دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی**. تهران: گلشن.
- داودی، محمد (۱۳۸۷). **سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)**؛ جلد سوم: **تربیت اخلاقی**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۵). **فرهنگ متوسط دهخدا**. زیر نظر: سید جعفر شهیدی. تهران: دانشگاه تهران.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ ق). **إرشاد القلوب إلى الصواب**. قم: الشریف الرضی.
- رایینز، استیفن پی (۱۳۸۸). **مبانی رفتار سازمانی**. ترجمه علی پارسائیان و محمد اعرابی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چ بیست و دوم.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). **المفردات فی غریب القرآن**. تحقیق: صفوان عدنان داودی. دمشق و بیروت: دارالعلم الشامیه.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۳۵۳). **المفردات فی غریب القرآن**. ترجمه و تحقیق: سید غلامرضا خسروی حسینی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ربانی، رسول و فریدون وحید (۱۳۸۱). **جامعه‌شناسی شهری**. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- زورق، محمد حسن (۱۳۶۸). **مبانی تبلیغ**. تهران: سروش.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). **دایره‌المعارف علوم اجتماعی**. تهران: کیمیا.
- سبحانی، جعفر (۱۳۷۵). **منشور جاوید**. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- شاملو، سعید (۱۳۸۳). **آسیب‌شناسی روانی**. تهران: رشد، چ هفتم.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۰۸ ق). **مجمع البحرین**. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- عبدوس، محمدتقی و محمد مهدی اشتهاوردی (۱۳۷۷). **بیست و پنج اصل از اصول اخلاقی امامان**. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چ هشتم.
- علی‌احمدی، علیرضا و حسین علی‌احمدی (۱۳۸۷). **مبانی و اصول مدیریت اسلامی**. تهران: تولید دانش، چ سوم.
- فیروزآبادی، مجدالدین محمد (۱۴۱۲ ق). **القاموس المحيط**. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- قائمی مقدم، محمدرضا (۱۳۸۲). «**روش الگویی در تربیت اسلامی**». مجله معرفت، ش ۶۹: ۳۷-۲۵.
- کریمیان، حسین (۱۳۸۷). «**تنبیه و نقش آن در تربیت با نگرش اسلامی**». نشریه معرفت، سال هفدهم، ش ۱۳۰.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). **اصول کافی**. محقق: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کوش، دنی (۱۳۸۱). **مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی**. ترجمه فریدون وحید. تهران: سروش.
- لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). **عیون الحکم و المواعظ (لیثی)**. قم: دارالحدیث.



- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰). فلسفه اخلاق. نگارش و تحقیق: احمد حسین شریفی. تهران: چاپ و نشر بین‌الملل.
- مطهرنیا، مهدی (۱۳۷۸). فرهنگ دفاع و دفاع فرهنگی. تهران: دفاع.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). تبلیغ و مبلّغ در آثار شهید مطهری. به کوشش عبدالرحیم موگهی. قم: سازمان تبلیغات اسلامی.
- مظلومی، رجبعلی (۱۳۸۴). تربیت معنایی انسان. تهران: انجمن اولیا و مربیان، چ چهارم.
- معین، محمد (۱۳۷۸). فرهنگ معین. تهران: امیرکبیر، چ چهارم.
- ناصف، منصور علی (۱۹۷۵). التاج الجامع للاصول فی احادیث الرسول (ص). قاهره: دارالفکر، چ چهارم.
- نجاتی، محمدعثمان (۱۳۸۶). قرآن و روان‌شناسی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چ هفتم.
- نقشه مهندسی فرهنگی کشور. (۱۳۹۳). تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی
- یاندیس، تری و هری چارالامبوس (بی‌تا). فرهنگ و رفتار اجتماعی. تهران: رسانش.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی